

بررسی تأثیر مدیر مالی / تصدی شرکت حسابرسی متقابل بر کیفیت حسابرسی

نوع مقاله: پژوهشی

شادیه عباچی نژاد اصل^۱

حسن ملکی کاکلر^۲

ایرج مولائی قولنجی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۴

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر مدیر مالی / تصدی شرکت حسابرسی متقابل بر کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس و اوراق بهادار تهران است. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بودند. بازه زمانی استفاده شده برای جمع آوری داده‌های مربوط به فعالیت این شرکت‌ها شامل بازه ۷ ساله از ابتدای سال ۱۳۹۴ تا پایان سال ۱۴۰۰ بود. پس از اعمال حذف سیستماتیک، در مجموع ۱۵۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در لیست نهایی نمونه آماری این تحقیق قرار گرفتند و از داده‌های مربوط به فعالیت مالی آنها برای انجام این تحقیق استفاده گردید. در این پژوهش از تحلیل رگرسیونی با به کارگیری داده‌های پنلی و از نرم افزار ایویوز نسخه ۹ برای بررسی فرضیات تحقیق و تحلیل رگرسیونی استفاده شد. به طور کلی بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان عنوان نمود که دوره تصدی مدیر مالی و همچنین دوره تصدی حسابرس تأثیر منفی و معنی داری بر کیفیت حسابرسی دارد.

کلیدواژه‌ها: دوره تصدی مدیر مالی، دوره تصدی حسابرس، کیفیت حسابرسی، گزارشگری مالی

طبقه‌بندی JEL: M41, M42, G34

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس، سلماس، ایران Abachi_shadi@yahoo.com

۲ استادیار گروه حسابداری، واحد سلماس، دانشگاه آزاد اسلامی، سلماس، ایران (نویسنده مسئول)

h_maleki@iausalmas.ac.ir

۳ استادیار گروه حسابداری، واحد سلماس، دانشگاه آزاد اسلامی، سلماس، ایران i_molaei@iausalmas.ac.ir

مقدمه

مدیران مالی به شهرت و اعتبار خود علاقه مند بوده و همین امر منجر به عملکرد محافظه کارانه آنان در ارتباط با گزارش زیان می گردد. از طرفی در ابتدای دوره تصدی مدیران حتی در شرایط بد بازار عملکرد نامناسب شرکت به حساب ضعف مدیران گذاشته می شود. بنابراین در ابتدای دوره تصدی مدیران سعی می کنند عملکرد مناسبی از خود نشان دهند تا بدین ترتیب به خود اعتبار بیفزایند. پس از اینکه مدیر مالی به شهرت و اعتبار دست یافت، سعی در حفظ شهرت خود دارد. از این رو شروع به گزارشگری محافظه کارانه میکنند (ژانگ، ۲۰۱۶).

مدیران پس از اینکه به سمت مدیریتی منصوب می شوند، به این دلیل که دوره تصدی بلندمدتی را برای خود پیش بینی نمی کنند، صرفاً در جهت منافع سهام داران حرکت نمی کنند. به عبارت دیگر از مدت کوتاهی که در این سمت قرار دارند در راستای رسیدن به منافع خود استفاده می کنند، به همین دلیل ممکن است مدیران از سرمایه گذاری در پروژه های بلندمدت به این دلیل اینکه در دوره تصدی آنها به بازدهی نمی رسد خودداری کنند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸).

حسابرسی به عنوان راهکاری کارآمد برای محدود کردن اختیارات مدیران در روابط قراردادی محسوب می شود. صورتهای مالی بخش عمده ای از اطلاعات مورد نیاز سرمایه گذاران و اعتباردهندگان شرکت را تأمین می کند. بر اساس چنین سطح اعتمادی به صورتهای مالی، نقش حسابرسان نیز حیاتی است. حسابرسی صورتهای مالی ضروری بوده چراکه صورتهای مالی حسابرسی شده می تواند این اطمینان را برای سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان فراهم کند که اطلاعاتی معتبر و قابل اتکا در اختیار آنان قرار می گیرد. بنابراین حسابرسی صورتهای مالی و در نتیجه شفافیت اطلاعاتی می تواند ارزش افزوده اقتصادی برای یک شرکت ایجاد کند (نیکبخت و کلهرنیا، ۱۳۹۵).

با در نظر گرفتن اهمیت خدمات حسابرسی و عدم امکان مشاهده مستقیم کیفیت حسابرسی، پیدا کردن یک روش اثربخش برای کنترل کیفیت ضروری است. کیفیت حسابرسی با اطمینانی که به سرمایه گذاران در خصوص کاهش ریسک نمایندگی و کاهش ریسک اطلاعاتی می دهد می تواند این امکان را برای سرمایه گذاران فراهم کند که اطلاعات مفیدی را از گزارش های سالانه شرکت ها در بورس اوراق بهادار، برای تصمیم های سرمایه گذاری استخراج کنند (جامی و همکاران، ۱۳۹۸).

هارتمن و همکاران^۲ (۲۰۰۷) بیان می کنند دوره تصدی مدیران شرکت بعنوان یکی از معیارهای اندازه گیری کیفیت مدیریت به تعداد سالهایی که یک شخص در پست مدیریت شرکت است اطلاق می شود. انجام عملیات مدیریتی شرکت توسط یک شخص طی سنوات متمادی به دلیل آشنایی تیم

^۱ Zhang

^۲ Whiting

مدیریتی با این عملیات می‌تواند موثرتر صورت گیرد. نتایج تحقیق آنها نشان داد که بالا بودن دوره تصدی مدیریت شرکت موجب افزایش شناخت و تخصص مدیریت در صنعت مربوطه می‌گردد و همچنین موجب بالا رفتن سطح کیفیت مدیریت خواهد شد.

حسابرسی به عنوان یک ساز و کار اجتماعی برای کمک به نظارت و کنترل رفتار مدیران و به عنوان ابزار نظارتی دولتهاست. در بعد اقتصادی حسابرس به عنوان داور بیطرف و مستقل در روابط اقتصادی، قراردادهای کاهش مخاطرات بالقوه اطلاعات عمل میکند و اطمینان خاطر و آرامش تصمیم گیران و عموم جامعه را فراهم می‌آورد. به عبارت روشنتر حسابرسی نقش‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی را بر عهده دارد (صالحی و عبدلی محمودآبادی، ۱۳۹۷).

این مطالعه بررسی می‌کند که آیا میزان روابط حرفه‌ای بین یک شرکت حسابرسی و مدیر مالی موسسه بر کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد یا خیر. اگر نگرانی نهادهای نظارتی مبنی بر اینکه رابطه‌ای که به مرور زمان بین یک شرکت حسابرسی و مدیر مالی موسسه ایجاد می‌شود، قضاوت حسابرس را مختل می‌کند، قابل قبول باشد، پس باید رابطه منفی بین مدت همکاری شرکت حسابرسی با مدیر مالی موسسه و کیفیت حسابرسی را بررسی کرد.

با بررسی روابطی که بین شرکت‌های حسابرسی و مدیر مالی موسسه ایجاد می‌شود، بینش جدیدی در بحث چرخش شرکت حسابرسی ارائه می‌گردد. در این تحقیق، تأثیر رابطه بین شرکت حسابرسی و مدیر مالی موسسه بر کیفیت حسابرسی بررسی می‌شود. تحقیقات قبلی که به طور گسترده‌ای اثرات مدت تصدی شرکت حسابرسی بر کیفیت حسابرسی را بررسی کرده‌اند، شواهد متناقضی را ارائه می‌دهند. محقق در این تحقیق استدلال می‌کند که بررسی تأثیرات شرکت حسابرسی به تنهایی و بدون در نظر گرفتن روابط پنهانی که بین مدیر مالی و شرکت حسابرسی ایجاد می‌شود، می‌تواند یکی از دلایل نتایج متناقض باشد. در این تحقیق، تلاش بر این است که رابطه‌ی مهم بین شرکت حسابرسی و مدیر مالی موسسه تعیین شود. نتایج تحقیقات قبلی نشان می‌دهد افزایش مدت همکاری مدیر مالی و شرکت حسابرسی که اقلام تعهدی بیشتری را گزارش می‌کنند، اظهارنظر کمتری نسبت به تداوم فعالیت و افزایش احتمال دریافت اجرای ضوابط حسابداری و حسابرسی دارند. اینها همه نشان دهنده پایین بودن کیفیت حسابرسی است. یافته‌های پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد مدیران عامل با دوره تصدی بلندمدت در مقایسه با مدیران عامل با دوره تصدی کوتاه مدت گزارشگری جسورانه‌تری دارند. به علاوه مدیران عامل با دوره تصدی بلندمدت در نیمه اول دوره تصدی خود در مقایسه با نیمه دوم، گزارشگری محافظه‌کارانه‌تری دارند.

علت و اهمیت پرداختن به این موضوع اینست که تحقیقات بسیاری در خارج از کشور در رابطه با موضوع تحقیق مربوطه انجام شده ولی در داخل کشور تحقیقات اندکی در این رابطه صورت گرفته

شده است. در این پژوهش محقق می‌خواهد بداند که در دوران تصدی مدیر مالی شرکت چه بصورت کوتاه‌مدت و چه بصورت بلندمدت مدیر مالی می‌تواند بر نحوه گزارش‌دهی و کیفیت حسابرسی تأثیرگذار باشد؟ آیا ارتباط بین حسابرسی و مدیر مالی در کیفیت گزارشگری و حسابرسی می‌تواند تأثیرگذار باشد؟ در این تحقیق تأثیر رابطه بین شرکت حسابرسی و مدیر مالی شرکت بر کیفیت حسابرسی بررسی خواهد شد. تحقیقات قبلی که به طور گسترده‌ای اثرات مدت تصدی شرکت حسابرسی بر کیفیت حسابرسی را بررسی کرده‌اند، شواهد متناقضی را ارائه می‌دهند. احتمالاً بررسی تأثیرات شرکت حسابرسی به تنهایی و بدون در نظر گرفتن روابط پنهانی که بین مدیر مالی و شرکت حسابرسی ایجاد می‌شود می‌تواند یکی از دلایل نتایج متناقض باشد. هدف از این مطالعه بررسی این موضوع است که آیا میزان روابط شخصی/ حرفه‌ای که در طول زمان ایجاد می‌شود (با توجه به سالهای متوالی که یک شرکت حسابرسی و مدیر مالی موسسه با هم کار می‌کنند اندازه‌گیری می‌شود) بر کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد یا خیر؟

۱- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱. تصدی مدیر مالی

در دنیای رقابتی امروز، مدیران عامل از یک وظیفه حیاتی در مدیریت واحدهای اقتصادی و موفقیت خود پشتیبانی می‌کنند؛ بنابراین، نقش حیاتی مدیرعامل در مدیریت کارآمد فعالیت‌های اقتصادی غیرقابل انکار است (نیکبخت و همکاران، ۱۳۹۹).

از آنجایی که افزایش طول مدت حضور مدیر مالی، ریاست هیات مدیره و همچنین اعضای غیر موظف هیات مدیره به عنوان تصمیم‌گیرندگان شرکت، باعث افزایش حس مسئولیت پذیریشان نسبت به کنترل و نظارت بر تصمیمات اتخاذ شده می‌گردد کاهش دوران تصدی به دلیل ناآشنایی با شرایط داخلی و خارجی شرکت و نوع صنعتی که به آن وارد شده‌اند کیفیت گزارشگری مالی شرکت تحت‌الشعاع قرار گرفته و کاهش می‌یابد و بالعکس با افزایش دوران تصدی این افراد باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود (گیلاوند، حسنونند، ۱۳۹۵).

۲-۱. دوره تصدی حسابرسی

تصدی حسابرسی یکی از شاخص‌های کیفیت حسابرسی است. در این رابطه جنکینز و ولوری (۲۰۰۸) به بررسی ارتباط بین دوره تصدی حسابرسی و محافظه‌کاری در گزارش سود پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که با تغییر دوره تصدی کوتاه حسابرسی به دوره تصدی متوسط حسابرسی، محافظه

کاری حسابداری افزایش یافته ولی چنین افزایش از دوره تصدی متوسط به دوره تصدی بلند مدت مشاهده نگردید (جنکینز و ولوری، ۲۰۰۸ و وکیلی فرد و مران جوری ۱۳۹۳). جنکینز و ولوری^۱ (۲۰۰۸) دوره تصدی حسابرس را تعداد سالهایی می دانند که شرکت، حسابرس را حفظ می کند و از نظر آنها محدود کردن دوره تصدی حسابرس را چرخش اجباری حسابرس اطلاق می شود.

این امکان وجود دارد که دوره تصدی طولانی باعث ایجاد یک سری روابط عاطفی شود تا حدی که احساس وفاداری در حسابرسان ایجاد کرده و بدین ترتیب استقلال آنها را به خطر بیندازد. البته چرخش حسابرس باعث مطرح شدن استدلال‌های از سوی مخالفان و موافقان این پدیده شده است. استدلال مخالفان چرخش اینست که وقتی حسابرس صاحبکار جدید را پذیرفت، شناخت آن از صاحبکار به احتمال زیاد باعث جلوگیری از تحریف‌های عمده حسابرس خواهد شد. زمانی که دوره تصدی افزایش یابد، حسابرس اطلاعات کامل‌تری از ریسک‌های صاحبکار و چگونگی عملکرد سیستم‌های وی بدست می‌آورد و همچنین حسابرس می‌تواند رویه‌ها و فرآیندهای حسابرسی را جهت کشف تحریف‌ها تعدیل نماید افزون بر این دوره تصدی کمتر باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرس و صاحبکار و کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود.

از سوی دیگر موافقان چرخش حسابرس تاکیدشان بر جنبه استقلال حسابرس است. در نظر آنان اگر حسابرس بیش از حد با صاحبکار رابطه صمیمانه داشته باشد، ممکن است در برابر تغییرات تجاری و ریسک مرتبط هیچ نوع تعدیلی اعمال نکند. در این صورت حسابرس در گردآوری شواهد کمتر به تردید حرفه‌ای متکی خواهد بود و تلاش کمتری را مبذول خواهد داشت (وکیلی فرد و مران جوری ۱۳۹۳).

۳-۱. کیفیت حسابرسی

کیفیت حسابرسی یک از موضوعات پراهمیت در حوزه حسابرسی و بازار سرمایه است. کیفیت حسابرس عبارت است از حسن شهرت و مراقبت حرفه‌ای حسابرس. در نتیجه حسن شهرت حسابرس اعتبار اطلاعات صورتهای مالی افزایش می‌یابد و بر اثر نظارت و مراقبت حرفه‌ای حسابرس، کیفیت اطلاعات صورتهای مالی افزایش خواهد یافت. به منظور شناخت مفاهیم و ابعاد مختلف کیفیت حسابرسی، مطالعات گوناگونی توسط محققان انجام شده است تا رابطه بین کیفیت حسابرسی و متغیرهای دیگر کشف شود. مشاهده کیفیت حسابرسی عملاً به سختی صورت می‌گیرد که همین عمل باعث می‌شود که محققان با مشکلات زیادی مواجه شوند (علوی طبری و همکاران، ۱۳۹۸).

^۱ Jenkins, D. S. & velury, U

کیفیت حسابرسی به توانایی حسابرسان در کشف و گزارش تحریفات با اهمیت در صورتهای مالی مربوط می شود (علیمردانی، ۱۳۹۶).

۱-۴. پیشینه پژوهش

موضوعات مرتبط با عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی موضوعی بوده که همواره مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده است. در ادامه به تشریح مطالعات صورت گرفته در این زمینه پرداخته شده است. قربانی اسفهان (۱۴۰۰) تحقیقی با عنوان تأثیر دوره تصدی مدیرعامل و حسابرسان شرکت بر کیفیت حسابرسی انجام داده است. جامعه آماری شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران بین سالهای ۱۳۹۴-۱۳۹۸ می باشد. با استفاده از روش نمونه گیری حذفی تعداد ۱۰۰ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شده اند. نتایج آزمون رگرسیون خطی چند متغیره نشان داد دوره تصدی مدیرعامل و حسابرسان شرکت بر کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری دارد.

علیزاده و همکاران (۱۳۹۹)، به بررسی رابطه بین دانش مالی و دوره تصدی مدیرعامل با نگهداشت وجه نقد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. نتایج بدست آمده حاکی از آنست که بین دانش مالی مدیرعامل و نگهداشت وجه نقد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار رابطه معناداری وجود ندارد. بین دوره تصدی مدیرعامل و نگهداشت وجه نقد رابطه معناداری وجود دارد و نگهداشت وجه نقد بر رابطه بین تصدی و دانش مالی مدیرعامل در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تأثیر می گذارد.

نغمی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و ریسک پذیری در جهت ایجاد ارزش شرکت پرداختند. برای آزمون فرضیه ها از روش رگرسیون چند متغیره به روش تابلویی استفاده شده است. معیارهای مورد نظر جهت سنجش کیفیت حسابرسی پنج مولفه تخصص حسابرسان، دوره تصدی حسابرسان، اندازه موسسه حسابرسی، تمرکز مالکیت و اعضای غیر موظف در هیات مدیره می باشند. نتایج نشان داد که همه مولفه های بکار گرفته شده در ارتباط با کیفیت حسابرسی و عامل ریسک بر ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

زرین ساز و نویدی عباسپور (۱۳۹۹)، به بررسی تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه پرداختند. با توجه به نتایج تحقیق اندازه موسسه حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه تأثیر داشته ولی دوره تصدی حسابرسان و حق الزحمه حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه تأثیر ندارد. همچنین استقلال کمیته حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه تأثیر ندارد.

درخشان مهر و کرمی (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر دوره تصدی مدیر عامل و اندازه شرکت حسابرسی بر کیفیت اطلاعات حسابداری پرداختند. نتایج حاکی از آنست که رابطه معناداری بین دوره تصدی مدیر عامل و کیفیت اطلاعات حسابداری وجود نداشته ولی رابطه منفی معناداری بین اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت اطلاعات حسابداری وجود دارد.

پاین و ویلیامسون^۱ (۲۰۲۱) تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر مدت همکاری مدیر مالی و شرکت حسابرسی بر کیفیت حسابرسی انجام داده اند. نتایج نشان می دهد که مدت همکاری مدیر مالی و شرکت حسابرسی با کیفیت پایین تر حسابرسی که از طریق میزان اقلام تعهدی اختیاری اندازه گیری شده، کاهش صدور اظهارنظر نسبت به تداوم فعالیت شرکت های مشکل دار و افزایش احتمال دریافت اطلاعاتی هایی در مورد اجرای ضوابط حسابداری و حسابرسی از کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده رابطه دارد.

این تأثیرات در زیرمجموعه های شرکت هایی که دارای سطح بالایی از وابستگی های حاکمیت شرکتی هستند بیشتر است. این یافته ها برای سیاست های مربوط به چرخش شرکت حسابرسی پیامدهایی دارد. به طور خاص، نتایج نشان داد که قانون گذاران هنگام ارزیابی سیاست های چرخش شرکت حسابرسی باید سایر روابط مربوط به تصدی شرکت حسابرسی، مانند روابطی که بین شرکت حسابرسی و پرسنل مشتری ایجاد می شود را در نظر بگیرند. اسری و سولیمون^۲ (۲۰۱۹) پژوهشی را با عنوان رابطه بین کیفیت حسابرسی و ریسک پذیری در جهت ایجاد ارزش با استفاده از تعداد ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس جاکارتا طی سالهای ۲۰۰۴-۲۰۱۵ به روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد بین پنج مولفه بکار گرفته شده برای بررسی کیفیت حسابرسی و همچنین عامل ریسک تنها دو معیار تصدی حسابرس و تمرکز مالکیت در ایجاد ارزش موثر بودند و سایر متغیرها تأثیر معناداری در ایجاد ارزش نداشتند. علاوه بر این هیچ یک از آنها تأثیرات ریسک شرکت ها در ایجاد ارزش را تحت تأثیر قرار نداده اند.

بیکر^۳ (۲۰۱۸) به بررسی اثر دوره تصدی مدیریت بر عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت پرداختند. دوره تصدی به عنوان معیاری برای سنجش میزان افق تصمیم گیری مدیر عامل در نظر گرفته شد. آزمون فرضیه ها نشان داد که دوره تصدی بلند مدت مدیر عامل با عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت ارتباط دارد ولی بین دوره تصدی مدیر عامل و هزینه های نمایندگی رابطه معناداری مشاهده نشد.

^۱ Payne and Williamson

^۲ Sri and Sulimon

^۳ Baker

بن کوام^۱ (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه پرداخت. این تحقیق در بین ۱۴۴ شرکت پذیرفته شده در بورس طی سالهای ۲۰۱۳-۲۰۱۶ انجام شد. یافته‌ها نشان داد که اندازه حسابرسی و کمیته حسابرسی کیفیت افشای اختیاری را افزایش می‌دهد.

هارتمن^۲ و همکاران (۲۰۰۷) پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین دوره تصدی مدیر عامل و مدیریت سود انجام داد. اطلاعات ۵۰۰ شرکت آمریکایی در سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۴ جمع آوری شد. نتایج حاکی از آنست که بین دوره تصدی مدیر عامل و مدیریت سود رابطه وجود دارد. همچنین نوسانات سود پیش بینی شده در سالهای آغازین تصدی مدیرعامل بیشتر از سالهای بعدی تصدی آن می باشد.

بروکمن^۳ (۲۰۱۶) تحقیقی با عنوان بررسی رابطه بین دوره تصدی مدیر عامل با مدیریت سود ریسک سهام و ثروت ایجاد شده برای سهامداران پرداخت. اطلاعات ۱۲۰ شرکت استرالیایی طی سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۴ جمع آوری شد. نتایج نشان دهنده وجود رابطه مستقیم دوره تصدی مدیر عامل و مدیریت سود و وجود رابطه مستقیم ریسک سهام و ثروت ایجاد شده برای سهامداران دوره تصدی مدیر عامل می باشد.

۵-۱. فرضیه های پژوهش

- با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه های این پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:
- ۱- دوره تصدی مدیر مالی بر کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری دارد.
 - ۲- دوره تصدی حسابرسی شرکت بر کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری دارد.

۲- روش شناسی تحقیق

از لحاظ هدف، تحقیق حاضر نوعی تحقیق کاربردی است. همچنین این تحقیق، همبستگی و تجربی در حوزه حسابداری است که در آن از روابط آماری و مدل های ریاضی جهت بررسی و تبیین متغیرهای تحقیق استفاده شده است. در این تحقیق از روش رگرسیون بر روی داده های پانل به منظور تجزیه و تحلیل فرضیه ها استفاده شد. داده ها نیز به روش میدانی و اسنادکاوی جمع آوری شدند. همچنین

^۱ Ben Quam

^۲ Hartman

^۳ Brokman

تحقیق پیش رو در زمره تحقیقات کمی است که به صورت استقرایی در قالب تحقیقات تجربی صورت گرفته است.

۲-۱- جامعه و نمونه آماری

با توجه به قلمرو مکانی تحقیق، جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، که دارای اطلاعات لازم برای محاسبه متغیرهای پژوهش در طی دوره مورد بررسی اند، تشکیل می دهند. روش نمونه گیری با حذف سیستماتیک کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس معیارهای زیر انجام گرفت:

الف) با توجه به دوره زمانی دسترسی به اطلاعات (۱۴۰۰-۱۳۹۴)، شرکت قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده بود و نام آن تا پایان سال ۱۴۰۰ از فهرست شرکت‌های یادشده حذف نشده بود.

ب) به منظور افزایش توان هم سنجی و همسانسازی شرایط شرکت‌های انتخابی، سال مالی شرکت‌ها به پایان اسفند ماه هر سال منتهی می شد.

پ) به دلیل شفاف نبودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی شرکت‌های مالی (شرکت‌های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی و ...)، این شرکت‌ها از نمونه حذف شدند.

ت) شرکت‌ها توقف فعالیت نداشته و دوره فعالیت خود را تغییر نداده بودند.

ج) طی بازه زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.

در نهایت پس از اعمال این حذف سیستماتیک، از بین ۶۷۲ شرکت در نهایت ۱۵۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در لیست نهایی نمونه آماری این تحقیق قرار گرفتند و از داده‌های مربوط به فعالیت مالی آنها برای انجام این تحقیق استفاده گردید که آمار تعداد شرکت‌ها در جدول زیر درج شده است:

جدول ۱. آمار تعداد شرکت‌ها

۶۷۲	تعداد کل شرکت‌ها در پایان سال ۱۴۰۰
۵۲۰	تعداد شرکت‌ها بر اساس حذف سیستماتیک
	دلایل حذف این شرکت‌ها
۱۷۶	شرکت‌هایی که برخی اطلاعات مورد نیاز آنها برای محاسبه متغیرهای پژوهش حاضر در دوره زمانی پژوهش در دسترس نبوده
۳۴	نام شرکت تا پایان سال ۱۴۰۰ از فهرست شرکت‌ها حذف شده بود
۱۹۲	بانک‌ها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و موسسات مالی
۴۵	شرکت‌هایی که نماد معاملاتی آن‌ها بیش از ۶ ماه متوقف شده است

۷۳	طی بازه زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر داده بودند یا شرکت هایی که پایان سال مالی آن ها ۲۹ اسفند نمی باشد
۱۵۲	تعداد شرکت های استفاده شده در این تحقیق

منبع: سایت کدال (www.codal.ir).

۲-۲- مدل و الگوی تحقیق

با توجه به مبانی نظری و با اقتباس از نتایج پژوهش پاین و ویلیامسون (۲۰۲۱) مدل فرضیه اول و دوم پژوهش به صورت زیر هستند:

مدل فرضیه اول:

$$AQ_{i,t} = \alpha + \beta_1 CFOTEN_{i,t} + \beta_2 Roa_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Leverage_{i,t} + \beta_5 CASHFLOW_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل فرضیه دوم:

$$AQ_{i,t} = \alpha + \beta_1 AUDTEN_{i,t} + \beta_2 Roa_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Leverage_{i,t} + \beta_5 CASHFLOW_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در این مدلها:

AQ: کیفیت حسابرسی، CFOTEN: دوره تصدی مدیر مالی، Roa: نرخ بازده دارایی، Size: اندازه شرکت، Leverage: اهرم مالی، CASHFLOW: جریان نقدی عملیاتی و AUDTEN: دوره تصدی حسابرس شرکت میباشد.

۳-۲- متغیرهای تحقیق

۳-۲-۱- متغیرهای مستقل

دوره تصدی مدیر مالی

در صورتی که در طی دوره تحقیق ۷ ساله، مدت همکاری مدیریت مالی در شرکت ۲ سال یا بیشتر بوده باشند برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر با صفر در نظر گرفته می شود.

دوره تصدی حسابرس

به منظور اندازه گیری صحیح دوره تصدی، باید سالی در دسترس باشد که در آن حسابرس به استخدام واحد تجاری در آمده است. تعیین این تاریخ برای شرکت هایی که طی دوره زمانی تحقیق، حسابرس خود را تغییر داده اند، مشکل نیست، اما برای شرکت هایی که در تمامی طول دوره تحقیق از یک

حسابرس استفاده کرده اند، تعیین سال اول شروع کار حسابرس با توجه به اطلاعات در دسترس، ممکن نیست (جامی و همکاران، ۱۳۹۸). به این دلیل برای حداقل نمودن تأثیرات هرگونه خطای اندازه گیری مبنای سال اندازه گیری دوره تصدی از ۳ سال قبل از شروع دوره تحقیق در نظر گرفته میشود.

بر این اساس، در صورتی که در طی دوره تحقیق ۷ ساله، موسسه حسابرسی بیش از ۳ سال، به طور متوالی مشغول به کار بوده باشد، دوره تصدی حسابرسی برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر با صفر در نظر گرفته می شود.

۲-۳-۲- متغیر وابسته

به منظور محاسبه کیفیت حسابرسی به پیروی از الگوی تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) از معیار اقلام تعهدی استفاده شده است. ابتدا، مجموع اقلام تعهدی برای یک دوره زمانی مشخص که به دوره رویداد معروف است به شرح زیر محاسبه شد:

$$TA_{it} = (\Delta CA_{it} - \Delta CL_{it} - \Delta Cash_{it} - \Delta STDEBT_{it} - \Delta DEPN_{it})$$

TA_{it} : کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t ، ΔCA_{it} : تغییرات دارایی های جاری شرکت i در

سال t ، ΔCL_{it} : تغییرات بدهی های جاری شرکت i در سال t ، $\Delta Cash_{it}$: تغییرات موجودی

نقد شرکت i در سال t ، $\Delta STDEBT_{it}$: تغییرات بدهی های غیرجاری شرکت i در سال t و

$\Delta DEPN_{it}$: هزینه استهلاک شرکت i در سال t .

برای سنجش کیفیت حسابرسی با استفاده از اقلام تعهدی مطابق با الگوی تعدیل شده جونز (۵۱) برای هر سال-صنعت یک الگوی رگرسیونی به صورت جداگانه به شرح رابطه زیر برآورد شد.

$$TA_{it} / Asset_{it-1} = K_1^{adj} I / Asset_{it-1} + K_2^{adj} (\Delta Rev_{it} - \Delta AR_{it}) / Asset_{it-1} + K_3^{adj} PPE_{it} / Asset_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

ΔRev_{it} : تغییرات درآمد فروش شرکت i در سال t ، ΔAR_{it} : تغییرات حساب های دریافتنی

شرکت i در سال t و PPE_{it} : ارزش ناخالص ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t .

مقادیر متغیرهای بالا بر حسب جمع دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$ (Asset_{it-1}) استاندارد شد. پس از آن با استفاده از ضرایب به دست آمده از رابطه زیر مقدار اقلام تعهدی غیراختیاری (عادی) (NA^{adj}_{it}) محاسبه شد:

$$NA_{it}^{adj} = K_1^{adj} 1 / Asset_{it-1} + K_2^{adj} (\Delta Rev_{it} - \Delta AR_{it}) / Asset_{it-1} + K_3^{adj} PPE_{it} / Asset_{it-1}$$

در پایان مقدار اقلام تعهدی اختیاری (غیرعادی) (AA^{adj}_{it}) با استفاده از رابطه زیر برآورد شد:

$$AA_{it}^{adj} = TA_{it} / Asset_{it-1} - NA_{it}^{adj}$$

قدر مطلق ارزش به‌دست آمده در رابطه فوق مشخص کننده کیفیت حسابرسی در این پژوهش

است، یعنی $DA_{it} = |AA_{it}^{adj}|$ که مقادیر بزرگتر آن نشان دهنده کیفیت حسابرسی بیشتر است.

۲-۳-۳- متغیرهای کنترلی

در این پژوهش، با اقتباس از نتایج پژوهش پاین و ویلیامسون (۲۰۲۱)، نرخ بازده دارایی، اندازه شرکت، اهرم مالی و جریان نقدی عملیاتی به عنوان متغیرهایی که میتوانند بر متغیر وابسته اثر داشته باشند، به عنوان متغیر کنترل در مدل آماری مد نظر قرار گرفته اند:

نرخ بازده دارایی:

یکی از معیارهای سودآوری و عملکرد شرکت است و از طریق نسبت سود خالص بر کل دارایی محاسبه می شود.

اندازه شرکت:

اندازه شرکت عمدتاً معرف وضعیت شرکت از نظر سودآوری، حجم فعالیت و ارزش شرکت است و از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی ها محاسبه می شود.

اهرم مالی:

نماینده ریسک مالی شرکت است و از طریق نسبت کل بدهی به کل دارایی محاسبه می شود (پاین و ویلیامسون، ۲۰۲۱).

جریان نقدی عملیاتی:

جریان نقدی عملیاتی از صورت جریان وجوه نقد شرکت i در پایان سال t استخراج می شود. به منظور استانداردسازی، محاسبات بر جمع داراییها تقسیم می شود (پاین و ویلیامسون، ۲۰۲۱).

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

خلاصه وضعیت آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد	حداقل	حداکثر	میانه	میانگین	انحراف معیار
کیفیت حسابرسی	۱۰۶۴	۰,۰۰۱	۰,۶۱۴	۰,۰۵۳	۰,۰۸۸	۰,۱۱۲
دوره تصدی مدیر مالی	۱۰۶۴	۰	۱	۰	۰,۲۶۹	۰,۳۰۷
دوره تصدی حسابرس	۱۰۶۴	۰	۱	۰	۰,۳۵۷	۰,۴۵۵
نرخ بازده دارایی	۱۰۶۴	-۱,۰۶	۰,۶۲	-۰,۷۸	۰,۰۹۵	۱,۴۱۷
اندازه شرکت	۱۰۶۴	۱۰,۳۵	۳۷,۱۹	۱۶,۴۵	۱۴,۲۹۸	۱,۵۷۹
اهرم مالی	۱۰۶۴	۰,۰۷	۴,۰۱	۰,۴۷۲	۰,۶۱۸	۰,۲۵۵
جریان نقدی عملیاتی	۱۰۶۴	-۴,۳۷۲	۱۸,۸۸۲	۶,۶۲۳	۱,۰۳۴	۱,۷۷۶

منبع: نتایج تحقیق

۳-۲- آمار استنباطی

قبل از تخمین مدل به منظور بررسی مانایی داده‌ها، از آزمون ریشه واحد فیشر-دیکیفولر^۱ استفاده شده است، آزمون مانایی اغلب به منظور جلوگیری از ایجاد رگرسیونهای کاذب توسط نرم افزار ایویوز^۲ انجام می‌گیرد، برای جلوگیری از رگرسیونهای کاذب بایستی متغیرها مانا باشند. خروجی نرم‌افزار، مانا بودن همه متغیرها به جز دوره تصدی حسابرس را تأیید می‌کند. نتایج این آزمون در جدول ۳ آورده شده است:

جدول ۳. آزمون ریشه واحد برای بررسی مانایی متغیرهای تحقیق در مدل اول پژوهش

متغیرها	آماره آزمون	سطح معنیداری
کیفیت حسابرسی	۴۷۴,۰۱۷	۰,۰۰۰۰
دوره تصدی مدیر مالی	۳۸۰,۱۸۳	۰,۰۰۱۹
دوره تصدی حسابرس	۶۷,۶۰۳	۰,۱۰۱۰

^۱ Fisher & Dickey-Fuller

^۲ Eviews

۰,۰۰۰۰	۵۱۷,۳۹۱	نرخ بازده دارایی
۰,۰۰۰۰	۵۶۶,۴۸۱	اندازه شرکت
۰,۰۰۰۰	۴۳۰,۹۲۳	اهرم مالی
۰,۰۰۰۰	۵۱۸,۳۰۳	جریان نقدی عملیاتی

منبع: نتایج تحقیق

سپس آزمون مانایی برای تفاضل مرتبه اول برای متغیر دوره تصدی حسابرسی صورت گرفته است. نتایج ارائه شده در جدول ۴ نشان می دهد که متغیر مذکور با یکبار تفاضل گیری مانا شده است.

جدول ۴. آزمون ریشه واحد برای بررسی مانایی متغیر دوره تصدی حسابرسی با اولین مرتبه

تفاضل گیری

سطح معنیداری	آماره آزمون	متغیر
۰,۰۰۰۱	۱۰۲,۰۵۷	دوره تصدی حسابرسی

منبع: نتایج تحقیق

با توجه به اینکه همه متغیرها دارای $p\text{-value}$ کمتر از ۰/۰۵ هستند، بنابراین، مانایی متغیرهای پژوهش تایید میگردد.

۳-۲-۱- بررسی فرضیه اول تحقیق:

دوره تصدی مدیر مالی بر کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری دارد. به منظور انتخاب از بین روشهای دادههای تابلویی و دادههای تلفیقی، از آماره F لیمر استفاده شده است. پس از انجام آزمون یاد شده، با توجه به اینکه مقدار $p\text{-value}$ محاسبه شده برای مدل کمتر از سطح خطای ۵٪ به دست آمد جدول ۵، فرضیه رد و استفاده از روش دادههای تابلویی تأیید شد.

جدول ۵. نتایج آزمون F لیمر برای انتخاب نوع روش دادههای تابلویی یا تلفیقی

نتیجه	سطح معنی داری	آماره F	مدل
روش داده های تابلویی	۰,۰۰۰۰	۹۱,۶۲۷۷	

منبع: نتایج تحقیق

آزمون F لیمر استفاده از روش داده‌های تابلویی را تأیید کرد. برای آنکه مشخص شود برآورد مدل در قالب کدام یک از اثرهای ثابت و یا تصادفی انجام شود از آزمون هاسمن^۱ استفاده شد. با توجه به مقدار p-value محاسبه شده برای مدل، کمتر از سطح خطای ۵٪ بدست آمد، بنابراین، استفاده از روش اثرات ثابت تأیید شد.

جدول ۶. نتایج آزمون هاسمن برای تعیین انتخاب نوع اثرات تصادفی یا ثابت مدل

نتیجه	سطح معنی داری	آماره χ^2	مدل
روش اثرات ثابت	۰,۰۰۰۰	۶۳,۶۰۵۳	

منبع: نتایج تحقیق

طبق نتایج آزمون هاسمن، در مدل تحقیق، آماره آزمون هاسمن معنیدار است. بدین ترتیب مدل تحقیق براساس روش اثرات ثابت برآورد میشود. لذا با توجه به آزمونهای صورت گرفته مدل با روش اثرات ثابت تخمین زده شدند.

۳-۲-۱- آزمون ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی

یکی از مفروضات معادله رگرسیون، ثابت بودن واریانس خطاها میباشد که به عنوان فرض همسانی واریانسها شناخته میشود. در صورتی که خطاها، واریانس ثابتی نداشته باشند، گفته میشود که ناهمسانی واریانس وجود دارد. فرض دیگر مدل رگرسیون، صفر بودن کوواریانس بین اجزای خطا در طول زمان (یا به صورت مقطعی برای انواع دادهها) است. برای سنجش ناهمسانی واریانس از آزمون والد تعدیل شده استفاده گردید که به علت در دسترس نبودن این آزمون در مدل های پانل دیتا در نرم افزار Eviews برای اجرای آزمون مذکور از نرم افزار STATA استفاده شد. برای سنجش خودهمبستگی از آزمون ولدریچ استفاده گردید که به علت در دسترس نبودن این آزمون در مدل های پانل دیتا در نرم افزار Eviews برای اجرای آزمون مذکور از نرم افزار STATA استفاده شد. بررسی نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی حاکی از سطح معنیداری کمتر از ۰/۰۵ بوده است. لذا، فرض صفر تایید نمیشود. بنابراین، مدل دارای ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی است.

جدول ۷. نتایج آزمون تعیین خودهمبستگی مدل

^۱ Hausman test

آزمون ولدریج	آماره فیشر (F)	سطح احتمال
	۵۲,۴۴۸	۰,۰۰۰

جدول ۸. نتایج آزمون ناهمسانی مدل

آماره	آماره χ^2	سطح احتمال
آزمون ناهمسانی اثرات ثابت (والد تعدیل شده)	۷,۱۳۸۵	۰,۰۰۰

منبع: نتایج تحقیق

۳-۲-۱-۲- نرمال بودن جملات باقیمانده

برای سنجش نرمال بودن جملات باقیمانده از آزمون جاکر برا استفاده گردید. بر اساس نتایج، به دلیل این که سطح معناداری آزمون جاکر - برا بزرگتر از ۰/۰۵ به دست آمده است، بنابراین، توزیع باقیمانده مدل رگرسیونی نرمال می باشد.

جدول ۹. نتایج آزمون نرمال بودن جملات باقیمانده

آزمون	آماره آزمون	سطح معنیداری
جاکر - برا	۰,۹۸۲۳۰۳	۰,۷۶۰۳

منبع: نتایج تحقیق

با توجه به این که در صورت وجود ناهمسانی واریانس در مدل های پانل دیتا، برآوردهای OLS کارآمد نیست، در این شرایط از برآورد مدل به روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی (EGLS) استفاده شده است. همچنین، به علت وجود خودهمبستگی، برای آزمون نهایی مدل رگرسیون از طریق روش اثرات ثابت، از متغیر کمکی $AR(1)$ استفاده شد و نتایج حاصل از این تخمینها به صورت زیر بدست آمده است:

جدول ۱۰. نتایج تخمین مدل پژوهش

متغیر	ضریب بتا	آماره t	احتمال
دوره تصدی مدیر مالی	-۰,۳۱۷۳	-۲,۷۱۳	۰,۰۰۱۱
نرخ بازده دارایی	-۰,۰۵۸۶	-۲,۱۲۳	۰,۰۲۳۴
اندازه شرکت	-۰,۰۹۷۵	-۵,۵۷۵	۰,۰۰۰۰

۰,۰۰۰۰	۴,۵۴۴	۰,۰۱۷۸	اهرم مالی
۰,۹۶۱۰	-۰,۰۴۸۹	-۰,۳۰۴۳	جریان نقدی عملیاتی
۰,۰۰۰۰	۷۹,۸۰۲	۰,۵۰۵۳	مقدار ثابت
۰,۰۰۰۰	۱۵,۸۰۹	۰,۴۲۷۸	AR(1)
سطح معنیداری آماره F: ۰/۰۰۰		آماره دوربین واتسون: ۲/۰۹۱۹	ضریب تعیین: ۰/۹۹
متغیر وابسته مدل: کیفیت حسابرسی			

منبع: نتایج تحقیق

بر اساس نتایج، دوره تصدی مدیر مالی تأثیر منفی و معنی داری بر متغیر وابسته یعنی کیفیت حسابرسی دارد.

۳-۲-۲- بررسی فرضیه دوم تحقیق:

دوره تصدی حسابررس شرکت بر کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری دارد. به منظور انتخاب از بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی، از آماره F لیمر استفاده شده است. با توجه به اینکه مقدار p-value محاسبه شده برای مدل کمتر از سطح خطای ۵٪ به دست آمد (جدول ۱۰-۴)، فرضیه رد و استفاده از روش داده‌های تابلویی تأیید شد.

جدول ۱۱. نتایج آزمون F لیمر برای انتخاب نوع روش داده‌های تابلویی یا تلفیقی

مدل	آماره F	سطح معنی داری	نتیجه
	۹۲,۸۰۵۹	۰,۰۰۰۰	روش داده‌های تابلویی

منبع: نتایج تحقیق

بر اساس نتایج آزمون هاسمن با توجه به مقدار p-value محاسبه شده برای مدل، کمتر از سطح خطای ۵٪ بدست آمد، بنابراین، استفاده از روش اثرات ثابت تأیید شد.

جدول ۱۲. نتایج آزمون هاسمن برای تعیین انتخاب نوع اثرات تصادفی یا ثابت مدل

مدل	آماره χ^2	سطح معنی داری	نتیجه
	۵۳,۰۶۰۷	۰,۰۰۰۰	روش اثرات ثابت

منبع: نتایج تحقیق

طبق نتایج آزمون هاسمن، در مدل تحقیق، آماره آزمون هاسمن معنی دار است. بدین ترتیب مدل تحقیق براساس روش اثرات ثابت برآورد می شود. لذا با توجه به آزمونهای صورت گرفته مدل با روش اثرات ثابت تخمین زده شدند.

۳-۲-۱- آزمون ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی

بررسی نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی حاکی از سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ بوده است. لذا، فرض صفر تایید نمی شود. بنابراین، مدل دارای ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی است.

جدول ۱۳. نتایج آزمون تعیین خودهمبستگی مدل

آماره	آماره آزمون	سطح احتمال
آزمون ولدریج	۵۶,۷۰۹	۰,۰۰۰

منبع: نتایج تحقیق

جدول ۱۴. نتایج آزمون ناهمسانی مدل

آماره	مقدار	سطح احتمال
آزمون ناهمسانی اثرات ثابت (والد تعدیل شده)	۴,۳۴۱۱	۰,۰۰۰

منبع: نتایج تحقیق

۳-۲-۲- نرمال بودن جملات باقیمانده

بر اساس نتایج، به دلیل این که سطح معناداری آزمون جاک - برا بزرگتر از ۰/۰۵ به دست آمده است، بنابراین، توزیع باقیمانده مدل رگرسیونی نرمال می باشد.

جدول ۱۵. نتایج آزمون نرمال بودن جملات باقیمانده

آزمون	آماره آزمون	سطح معنیداری
جاک - برا	۱,۰۲۷۲۱۴	۰,۶۷۵۴۸۲

منبع: نتایج تحقیق

به علت وجود خودهمبستگی، برای آزمون نهایی مدل رگرسیون از طریق روش اثرات ثابت، از متغیر کمکی (IAR) استفاده شد و نتایج حاصل از این تخمینها به صورت زیر بدست آمده است:

جدول ۱۶. نتایج تخمین مدل پژوهش

متغیر	ضریب بتا	آماره t	احتمال
دوره تصدی حسابرس	-۰,۱۳۰۲	-۳,۰۹۲	۰,۰۰۰۴
نرخ بازده دارایی	-۰,۱۹۴۷	-۲,۴۵۴	۰,۰۱۶۶
اندازه شرکت	-۰,۳۵۶۰	-۵,۴۲۶	۰,۰۰۰۰
اهرم مالی	۰,۲۴۴۸	۲,۲۴۶	۰,۰۲۱۸
جریان نقدی عملیاتی	-۰,۰۰۰۲	-۰,۰۳۱	۰,۹۷۵۲
مقدار ثابت	۰,۴۹۹۰	۱۹,۷۱۵	۰,۰۰۰۰
AR(1)	۰,۴۲۱۶	۱۵,۴۹۳	۰,۰۰۰۰
ضریب تعیین: ۰/۹۹	آماره دوربین واتسون: ۲/۰۹۲۶		سطح معنیداری آماره F: ۰/۰۰۰
متغیر وابسته مدل: کیفیت حسابرسی			

منبع: نتایج تحقیق

بر اساس نتایج، دوره تصدی حسابرس تأثیر منفی و معنی داری بر متغیر وابسته یعنی کیفیت حسابرسی داشت.

۳-۳- بررسی هم خطی چندگانه

در این پژوهش، به منظور سنجش عدم وجود هم خطی از شاخص تورم واریانس (VIF) استفاده شد که به علت در دسترس نبودن این آزمون در مدل های پانل دیتا در نرم افزار ایویوز برای اجرای آزمون مذکور از نرم افزار STATA استفاده شد. در شرایطی که مقدار این شاخص کمتر از ۱۰ باشد، نشانگر آن است که بین متغیرها هم خطی وجود ندارد. بر اساس نتایج آزمون هم خطی برای متغیرهای این تحقیق، به دلیل عدم وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل این تحقیق، استفاده از رگرسیون به کار برده شده بلامانع می باشد.

جدول ۱۷. بررسی هم خطی چندگانه

متغیرها	VIF	1 / VIF
دوره تصدی مدیر مالی	۱,۰۰۹	۰,۹۹۱
دوره تصدی حسابرس	۱,۱۴۱	۰,۸۷۶
نرخ بازده دارایی	۱,۹۲۴	۰,۵۱۹

اندازه شرکت	۱,۳۱۸	۰,۷۵۸
اهرم مالی	۱,۷۹۹	۰,۵۵۵
جریان نقدی عملیاتی	۱,۰۰	۰,۹۹۹

منبع: نتایج تحقیق

۵- بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج، دوره تصدی مدیر مالی تأثیر منفی و معنی داری بر متغیر وابسته یعنی کیفیت حسابرسی دارد. مدیران مالی به شهرت و اعتبار خود علاقه دارند و همین امر منجر به عملکرد محافظه کارانه آنان در ارتباط با گزارش زیان می‌گردد. از طرفی در ابتدای دوره تصدی مدیران حتی در شرایط بد بازار عملکرد نامناسب شرکت به حساب ضعف مدیران گذاشته می‌شود. بنابراین در ابتدای دوره تصدی مدیران سعی می‌کنند عملکرد مناسبی از خود نشان دهند تا بدین ترتیب برای خود اعتبار بیفزایند. پس از اینکه مدیر مالی به شهرت و اعتبار دست یافت، سعی در حفظ شهرت خود دارد. از اینرو شروع به گزارشگری محافظه کارانه می‌کنند. مدیران پس از اینکه به سمت مدیریتی منصوب می‌شوند، به این دلیل که دوره تصدی بلند مدتی را برای خود پیش بینی نمی‌کنند، صرفاً در جهت منافع سهامداران حرکت نمی‌کنند. بلکه از مدت کوتاهی که در این سمت قرار دارند در راستای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند، به همین دلیل ممکن است مدیران از سرمایه گذاری در پروژه های بلندمدت به دلیل اینکه در دوره تصدی آنها به بازدهی نمی‌رسد خودداری کنند نتایج تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که افزایش مدت همکاری مدیر مالی و شرکت حسابرسی که اقلام تعهدی اختیاری بیشتری را گزارش می‌کنند، اظهارنظر کمتری نسبت به تداوم فعالیت و افزایش احتمال دریافت اجرای ضوابط حسابداری و حسابرسی، دارند. اینها همه نشان دهنده پایین بودن کیفیت حسابرسی است که نتایج بدست آمده همسو با پژوهش های حساس یگانه و برزگر (۱۳۹۵)، ژانگ (۲۰۱۶) و پاین و ویلیامسون (۲۰۲۱) می باشد.

بر اساس نتایج، دوره تصدی حسابرس تأثیر منفی و معنی داری بر متغیر وابسته یعنی کیفیت حسابرسی داشت. با در نظر گرفتن اهمیت خدمات حسابرسی و عدم امکان مشاهده مستقیم کیفیت حسابرسی، پیدا کردن روشی اثربخش برای کنترل کیفیت ضروریست. کیفیت حسابرسی با اطمینانی که به سرمایه گذاران در خصوص کاهش ریسک نمایندگی و کاهش ریسک اطلاعاتی میدهد میتواند این امکان را برای سرمایه گذاران فراهم کند که اطلاعات مفیدی را از گزارشهای سالانه شرکتها در

بورس اوراق بهادار، برای تصمیم های سرمایه گذاری استخراج کنند. اگر نگرانی نهادهای نظارتی مبنی بر اینکه رابطه ای که به مرور زمان بین یک شرکت حسابرسی و مدیر مالی موسسه ایجاد می شود، قضاوت حسابرس را مختل می کند، قابل قبول باشد، پس باید رابطه منفی بین مدت همکاری شرکت حسابرسی با مدیر مالی موسسه و کیفیت حسابرسی را بررسی کرد. تحقیقات قبلی که به طور گسترده ای اثرات مدت تصدی شرکت حسابرسی بر کیفیت حسابرسی را بررسی کرده اند، شواهد متناقضی را ارائه می دهند. محقق در این تحقیق استدلال می کند که بررسی تأثیرات شرکت حسابرسی به تنهایی و بدون در نظر گرفتن روابط پنهانی که بین مدیر مالی و شرکت حسابرسی ایجاد می شود، می تواند یکی از دلایل نتایج متناقض باشد. بر این اساس، یافته های این پژوهش نشان داد که دوره تصدی حسابرس تأثیر منفی و معنی داری بر متغیر وابسته یعنی کیفیت حسابرسی داشته است که نتایج بدست آمده همسو با پژوهش های درخشان مهر و کرمی (۱۳۹۸)، زرین ساز و نویدی عباسپور (۱۳۹۹)، قربانی اسفهلان (۱۴۰۰)، و پاین و ویلیامسون (۲۰۲۱) می باشد. در نهایت یافته های این پژوهش می تواند پیشنهاداتی را در این زمینه ارائه دهد با توجه به نقش مدیریت مالی که باید مقدار بودجه مورد نیاز یک سازمان را محاسبه کند. این کار به سیاست های شرکت در رابطه با هزینه ها و سودهای مورد انتظار بستگی دارد لذا مقدار مورد نیاز باید به گونه ای تخمین زده شود که توانایی درآمد سازمان افزایش یابد. هنگامی که میزان سرمایه مورد نیاز شرکت تخمین زده شود، ساختار سرمایه شکل می گیرد؛ بنابراین به اعضای هیئت مدیره پیشنهاد می شود همواره از سیاست های مدیریت مالی پیروی کنند تا بتوانند با خط مشی های شفافیت سازی اطلاعات کیفیت صورت های مالی حسابرسی شده را ارتقا داده و تضاد منافع بین سهامداران و مدیران را به حداقل برسانند. به سهامداران و سرمایه گذاران پیشنهاد می شود هنگام سرمایه گذاری به اطلاعات مربوط به میزان سال های همکاری موسسات حسابرسی با واحد تجاری مربوطه را بررسی نمایند تا نسبت به استقلال اعضای حسابرسی اطمینان حاصل نمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. جامی، مجید، محمدی، فاطمه، و سارانی، افسانه (۱۳۹۸). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس. *فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در حسابداری و مدیریت*، ۳(۱۴)، ۶۵-۷۶.
۲. حساس یگانه، یحیی، و برزگر، قدرت اله (۱۳۹۲). ارائه ی مؤلفه ها و شاخص های بُعد اجتماعی مسؤولیت شرکت ها و وضعیت موجود آن در ایران. *مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، ۲(۱)، ۲۰۹-۲۳۴.
۳. درخشان مهر، آرش، و کرمی، صبا (۱۳۹۸). تأثیر دوره تصدی مدیرعامل و اندازه موسسه حسابرسی بر کیفیت اطلاعات حسابداری. *چشم/انداز حسابداری و مدیریت*، ۲(۶)، ۳۰-۱۷.
۴. زرین ساز سرخابی، فیروزه و نویدی عباسپور، ابراهیم (۱۳۹۹). بررسی تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه. *فصلنامه چشم/انداز حسابداری و مدیریت*، ۳(۳۱)، ۷۵-۹۰.
۵. صالحی، مهدی، و عبدلی محمودآبادی، ناصر (۱۳۹۷). تأثیر تخصص حسابرسان در صنعت بر ریسک پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. *فصلنامه دانش حسابرسی*، ۱۸(۷۰)، ۵-۲۴.
۶. علوی طبری، حسین، خلیفه سلطان، سید احمد، و شهیدیان، ندا (۱۳۹۸). کیفیت حسابرسی و پیش بینی سود. *فصلنامه تحقیقات حسابداری*، ۳، ۲۲-۳۵.
۷. علیزاده، محمد، خاندانی مادومان، کامران و بیضا، طیبه (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین دانش مالی و دوره تصدی مدیرعامل با نگهداشت وجه نقد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، یازدهمین کنفرانس رویکردهای نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، بابل.
۸. علیمردانی، مجید (۱۳۹۶). بررسی و تبیین اندازه دستگاه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی. *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی*، ۴۱، ۱۱-۵۳.
۹. قربانی اسفهلان، وحید (۱۴۰۰). تأثیر دوره تصدی مدیرعامل و حسابرسان شرکت بر کیفیت حسابرسی. *فصلنامه چشم/انداز مدیریت و حسابداری*، ۴(۴۳)، ۴۳-۴۴.
۱۰. گیلاوند، ایمان، و حسونند، داریوش (۱۳۹۵). بررسی تأثیر دوره تصدی مدیران ارشد بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و حسابداری، نشریه مرجع دانش.

۱۱. محمدی، محمد، ولی خانی، ماشالله، و شاه صاحبی، سیدعلی (۱۳۹۸). بررسی تأثیر دوره تصدی مدیرعامل بر ارتباط میان توانایی مدیریت و شفافیت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری*، ۵۳، ۲۹ - ۱.
۱۲. نغمی، حبیب الله، حسینیایی، نرگس، و قدردان، احسان (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و ریسک پذیری در جهت ایجاد ارزش شرکت. *فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۳(۳۱)، ۴۵-۶۲.
۱۳. نیکبخت، محمدرضا، و کلهرنیا، حمید (۱۳۹۶). تعیین رابطه بین شفافیت اطلاعاتی، نقد شونددگی و ارزشیابی شرکت. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۳۳، ۱-۱۶.
۱۴. نیک بخت، محمدرضا، ویسی حصار، ثریا، و فاطری، علی (۱۳۹۹). بررسی ارتباط بین مدت تصدی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت. *راهبرد مدیریت مالی*، ۸(۱)، ۸۷-۱۰۶.
۱۵. وکیلی فرد، حمید رضا، و مران جوری، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری حسابداری در ایران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴(۳)، ۲۲۴-۲۰۹.
16. Baker, P. (2018) CEO tenure, board of directors, and acquisition performance. *Journal of Business Research*, 60, 331-338.
17. Ben Kwame Agyei-Mensah, (2018) The effect of audit committee effectiveness and audit quality on corporate voluntary disclosure quality. *African Journal of Economic and Management Studies*, <https://doi.org/10.1108/AJEMS-04-2018-0102>.
18. Brockman, D. (2016) Corporate social responsibility: A theory of the ifrm perspective. *Academy of Management Review*, 26, 117-127.
19. Jenkins, D. S. & velury, U. (2008). Does auditor tenure influence the reporting of conseratism earnings?, *Journal of Accounting and public policy*, No 27, pp 115-132.
20. Hartman, L. P., Rubin, R. S., & Dhanda, K. K. (2007). The communication of corporate social responsibility: United States and European Union multinational corporations. *Journal of Business Ethics*, 74, 373-389.
21. Payne, J. L., & Williamson, R. (2021). An examination of the influence of mutual CFO/audit firm tenure on audit quality. *Journal of Accounting and Public Policy*, 40(4), 106825.
22. Sri, M., & Solimun, S. (2019). The relationship between audit quality and risk taking toward value creation in Indonesia. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 9(2), 251-267.
23. Zhang, B.(2016) A three-dimensional conceptual model of corporate performance. *Academy of Management Review*, 4, 497-505.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی